



است که فردا ناممکن خواهد بود؟

آیا استاد را تنها نوازنده‌ی شناخته‌ایم که حال فقط با بهبود کامل است که می‌توانیم دوباره در عرصه‌ی هنر موسیقی کشور بازش پاییم تا به خدمات هنری‌اش ادامه دهد؟ یا این‌که تا چه اندازه موفق بوده‌ایم فرامرز پایور را با تمام جنبه‌های هنری و فردی‌اش منطبق با امروز بشناسیم. قطعاً دعای ما برای بهبود کامل ایشان برآورده خواهد شد، اما تا آن زمان چه؟

تا آن زمان چگونه می‌توان فرامرز پایور را با تمام شاخص‌های هنری‌اش استاد پایور قلمداد نمود؟ استاد امروز، نه استاد پایوری که موقتاً گنجینه‌ای متعلق به گذشته است در انتظار آینده؟ آیا ما شاگردان توانستیم این درس را به‌درستی از وی بیاموزیم که همگام و همراه با زمان حرکت کنیم. مگر نه این‌که وی با اندیشه‌ها، فعالیت‌ها و کلامش همواره با زمان پیش رفته است؟ مگر چاب آثارش، تألیف دستور دستور با سیاست‌های آموزشی آن، ردیف ابتدایی، ذهنیت و انگیزه‌ی خلق آن، غیر از حرکت با زمان تعبیر دیگری هم دارد؟

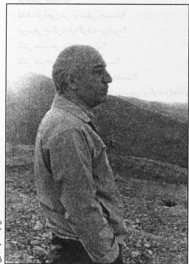
آیا استادمان را فقط نوازنده‌ای می‌شناسیم که مدتی است دست به ساز نمی‌برد؟ اگر فرامرز پایور را استادی با ابعاد مختلف در موسیقی می‌شناسیم، برای تحقق یافتن تمامی این ابعاد چه کرده‌ایم؟ فرامرز پایور را از میان ده‌ها شاخص هنری‌اش می‌توان به عنوان موسیقی‌دان، ردیف‌دان، معلم موسیقی، آهنگساز، صاحب مکتب دستور، مؤلف و مصنف دوره‌های آموزشی، شاگرد استادان فقید موسیقی، سرپرست گروه‌های متعدد، گنجینه‌ی بخشی از تاریخ موسیقی ایران و چندین و چند عنوان دیگر شناخت. کدام‌یک از این ابعاد با ضعف موقت جسمی وی موجودیت خود را از دست می‌دهد؟

حال چرا از دیدگاه خود استاد به آموزش ننگریم و برای این تجسم از وی مدد نجوییم. پایور درباری حسین تهرانی چنین اظهار داشته است: «استادی یک هنرمند با مهارت او در نواختن آلت موسیقی‌اش ثابت نمی‌شود. تفاوت بین یک نوازنده‌ی ماهر و یک استاد همین است که یک نوازنده‌ی ماهر فقط در فن نوازندگی آلت موسیقی‌اش مهارت دارد، ولی یک استاد موسیقی در تمام اطراف و جوانب آن آلت موسیقی به‌خصوص مطالعه دارد و آنچه را که در موسیقی به هر نحوی از انحاز و تباطای با کنار و رشته‌ی تحقیقی او پیدا می‌کند، جست‌وجو و تفحص کرده و بر آن تسلط کامل پیدا می‌کند. حسین تهرانی نیز همانند ابوالحسن صبا از این نوع موسیقی‌دانان بود. تمایزی که استاد پایور بین یک نوازنده‌ی ماهر و یک موسیقی‌دان قابل می‌شود، دیدگاهی شایسته‌ی توجه است. وی جایگاه یگانه‌ی صبا و تهرانی را به علت مهارت در نواختن سازشان نیست که رفیع می‌شمرد.

استاد در مصاحبه‌ای نیز درباره‌ی خود چنین گفته است: «من یک نوازنده و موسیقی‌دان هستم. پس آیا می‌توان تصور نمود که فرامرز پایور از امروز خود چه می‌طلبید؟

استادی که خود را علاوه بر نوازنده، موسیقی‌دان می‌داند؛ آن که معتقد است استادی یک هنرمند با مهارت در نواختن سازش ثابت نمی‌شود، درباره‌ی خود چگونه می‌اندیشد؟

اگر از چشمان پایور به امروز بنگریم: هر جا سخن از بهبود کامل استاد است؛ دلنگی و غمزدگی، قدردانی



عکس از احمد رضایی

و بزرگداشت، برگزاری کسرت‌های مختلف توسط استادان و شاگردان به پاس زحمات استاد پایور، مصاحبه و سخنرانی و... که در هیچ‌کدام - تا آن‌جا که می‌دانیم و شنیده‌ایم - خود ایشان حضور نداشته‌اند؛ بخش صدا و تصویر وی چه تأثیری جز تشدید تفکر گذشته‌نگرانه دارد؟

اما فرامرز پایور همیشه به امروز تعلق داشته و این روز با ما است، و البته می‌توان دانست که اکنون به چه می‌اندیشد: «تمام استادان، همکاران، شاگردان و هنردوستان در انتظار فردای بهبود، روز و شب سپری می‌کنند، ولی این روزها و ماه‌ها و سال‌ها من کجا هستم؟ من که برای کار، آموختن و دانستن - نه فقط در حوزه‌ی موسیقی - لحظه‌ای طاقبت درنگ نداشته‌ام چگونه نگرش گذشته‌نگر را برای پیوند دیروز به فردا تاب آورم؟»

چرا استاد فرامرز پایور را با تمامی مشخصاتش - به عمل، نه در سخن - نمی‌شناسیم.

مگر باید زمان چند سالی به عقب برگردد تا استاد بگوید که:

موسیقی چیست؟

هدف از آموزش موسیقی چیست؟

موسیقی چگونه فرا گرفته می‌شود؟

نقش معلم موسیقی چیست؟

نقش هنرجوی موسیقی چیست؟

جایگاه خلاقیت در موسیقی کجاست؟

ارتباط (روش) زندگی با (نوع) موسیقی چگونه رابطه‌ای است؟

آیا می‌توان طور دیگر زندگی کرد، اما همان‌گونه موسیقی شنید و ساخت که چند دهه

پیش می‌شنیده‌اند و می‌ساخته‌اند؟

آموزش موسیقی با آموزش سنتور؟ کدام‌یک؟

تفاوت یک استاد موسیقی و معلم موسیقی در چیست؟

تفاوت دوره‌های آموزش نوازندگی و آثار یک موسیقی‌دان / نوازنده در چیست؟

صبا و پایور چه نقاط اشتراک و افتراقی دارند؟

تلفی این دو استاد از سنتور چقدر شباهت و تفاوت دارد؟

سنتور قبل از پایور، با پایور و پس از وی چگونه بوده است؟

چه میزان از ادبیات موجود برای سنتور توسط فرامرز پایور خلق شده است؟

دورنما و محدودی فعالیت آیندگان در گسترش این ادبیات چگونه است؟

شاگردان صبا، شاگردان پایور آیا با هم تفاوت دارند؟ چرا؟

تفاوت بزرگداشتی برای یک استاد سنتور، و مروری بر آثار وی در چیست؟

آیا می‌باید این بزرگداشت با بزرگداشت‌های برگزار شده برای دیگر استادان یکسان

باشد؟ و هزاران پرسش دیگر.

مگر باید آرزو کرد که زمان چند سالی به عقب برگردد تا استاد پایور بتواند کار کند،

مطالعه کند، تدریس کند، نت بنویسد، مقاله و نقد منتشر نماید، تاریخ ناتوشته‌ی موسیقی

معاصر، اتفاقات، روایات و اقوال استادان طلایی عصرمان را به رشته‌ی تحریر درآورد؟

چرا آرزو؟ پایور امروز با ما است. شیفتگان، علاقه‌مندان و شاگردان با سوال‌ها، نوشته‌ها،

نقد‌ها و حرف‌های نگفته‌شان، نه فقط در اقصی نقاط ایران بلکه در تمام دنیا، مفاهیمی برای

امروزند. و استاد با ما است، امروز.